

جنبش اول ماه مه، تجسمی از عزم و پیکار انقلابی طبقه کارگر بر علیه نظام بردگی و استثمار!.



جنبش اول ماه مه در تاریخ مبارزات پرولتاریای جهان بدلیل دست آوردها و تجارب ارزنده ای که حاصل قرن ها مبارزه و جانفشانی های کارگران و زحمتکشان در ادامه مبارزه طبقاتی با نظام سرمایه داری بدست آمده است، تجسمی از عزم و پیکار و پیگیری انقلابی طبقه کارگر بر علیه نظام بردگی و استثمار و نقطه اوجی از این مبارزه محسوب می شود.

صاحبان سرمایه و زور در امریکا بنا به ترکیب ملی جمعیت کارگران و زحمتکشان با بهره گیری از هر وسیله ممکن، مناسبات و شرایط وحشیانه ای را بر توده عظیم طبقه کارگر و فرودست جامعه تحمیل کرده بودند. شرایط اسفناک وضعیت کار، نابرابری حقوقی در مقابل کار مساوی زنان با مردان، استفاده از کار کودکان در قبال دستمزد بسیار پائین، نبود ساعت کار مشخص، ملحوظ داشتن رنگ پوست و مسائل نژادی در پرداخت دستمزد، تقلیل مکرر حقوق و امتیازات از سوی سرمایه داران، نبود ایمنی کار و امنیت جانی و شغلی، بستن جریمه های سنگین به بهانه های مختلف بر سر دستمزد ناچیز کارگران در کنار تورم معمول کالا های ضروری و در نتیجه پائین آمدن قدرت خرید طبقه زحمتکش و فرودست جامعه، بالا رفتن شدت استثمار و افزایش ساعات کار روزانه، همگی شرایطی بود که بمرور زمان موجب انباشته شدن نارضایتی و خشم کارگران گردیده بود. با این حال شرایط غیر انسانی تحمیلی بر نیروی مولد، مطامع بی حد و حصر سرمایه داران را راضی نکرده بود. حال با استفاده از تجربیات گذشته تاریخ ضد انقلابی بورژوازی، بر آن بود دولت سرمایه را در وضع و اعمال قوانین ضد کارگری و محدود کننده، بیش از گذشته ترغیب و مکلف نماید. چرا که بالا رفتن سطح کیفی آگاهی و کسب تجارب مبارزاتی در جریان امر مبارزه طبقاتی، شرایط ایجاد تشکل های کارگری و اتحاد و همبستگی آنان را در شکل منسجم و سازمان یافته، تقویت و نبرد طبقاتی را در تقابل با نظام جهانی سرمایه

داری وسیعی تر و مستحکم تر می نمود. اتحاد و تشکل و بسط تجربه و آگاهی جدی ترین خطری بود برای نظام سرمایه داری و کابوس این وحشت سرمایه داران را بر آن کرده بود تا به هر نحو ممکن از تحقق این امر جلوگیری نمایند.

هر جا ظلم و بیدادگری است، مبارزه نیز ادامه دارد!

وضع و اجرای قوانین ضد کارگری توسط دستگاه اداری نظام سرمایه با اجیر کردن دسته های لپین و باجگیر هفت تیر کش توسط سرمایه داران در کنار ماشین سرکوب دولتی برای سرکوب و خفه کردن اعتراضات کارگری، خصوصاً کارگران آگاه و مبارز که نقش رهبری و هدایت کننده در تجمعات اعتراضی ایفا می کردند، نتوانسته بود خشم و عصیان توده ی استثمار شونده را خاموش سازد. با سخت تر شدن شرایط زندگی بر کارگران مبارزه اوج میگرفت. اوایل قرن نوزده جنبش محدود کردن ساعت کار به ۸ ساعت در روز در بسیاری از جوامع سرمایه داری جریان داشت. اما در امریکا ساعت کار تابعی از خواست و اراده سرمایه داران بود که کارگران را وادار به ۱۶-۱۵ ساعت و مواقعی ۱۸ ساعت، کار روزانه میکردند. چرا که در این زمان در امریکا هنوز نظام کهنه برده داری حاکم بود. در چنین شرایطی بود که عناصر آگاه و پیشرو طبقه کارگر امریکا به این نتیجه رسیده بودند که از تجربیات کارگران اروپا که از کمون پاریس و مبارزات طبقاتی قبل و بعد آن بدست آمده بود، استفاده نمایند. بر این اساس دریافته بودند که فقط در سایه اتحاد و تشکل قدرت مند سراسری می توان به مقابله با سیاست های غیر انسانی تحمیل شده از جانب سرمایه داران برخاست. تاسیس «اتحادیه سراسری کارگران» محصول این همین تلاش بود که رهبری جنبش را در گام اول مبارزه برای تثبیت ۸ ساعت کار در روز را در سال ۱۸۶۶ بتصویب رساند. پس از بیست سال یعنی در سال ۱۸۸۶ کارگران امریکا بدنبال مبارزات جزئی و پراکنده در ماه مه همان سال توانستند زمینه های جنبش سراسری تشکل و خواسته های خود را در یک دموکراسیون مطرح سازند. حضور بیش از ۴۰۰ هزار نفر در این تظاهرات، ملاکان و سرمایه داران را بوحشت انداخته بود. روزنامه های طرفدار آنان در تبلیغ گسترده بر علیه «کمونیسم» و «سرخ ها» با سر تیترهای بزرگ شروع کرده بودند. با تهدید و ارعاب، گستاخاته از آویزان کردن جسد تک تک «سرخ ها» بر تیرهای چراغ برق خیابانهای شیکاگو سخن میراندند. ماشین سرکوب سرمایه به وحشیانه ترین شکل صفوف کارگران تظاهر کننده را که فاقد هر گونه وسیله دفاعی بودند، مورد یورش قرار داده بود. کشته شدن بسیاری و اعدام و زندانی شدن رهبران جنبش، به مقاومت و تداوم مبارزه تا رسیدن به خواسته های بحق و انسانی، جان تازه ای بخشیده بود. در نتیجه کارگران توانسته بودند در سایه آگاهی طبقاتی، اتحاد و همبستگی خود را مقابل سرمایه داران تقویت و حمایت هم قطاران خود را در عرصه بین المللی خصوصاً اروپا جلب نموده، دو هدف عمده ی جنبش را یعنی ۸ ساعت کار در روز و حق ایجاد اتحادیه های واقعی و برخاسته از بتن طبقه را تعمیم و سرمایه داران را به عقب نشینی وا دارند. و قوانین جدیدی را به جهت بهبود شرایط کار برخلاف میل بورژوازی بتصویب رسانده باشند.

نمایندگان کارگران امریکا با شرکت در کنگره انترناسیونال دوم بسال ۱۸۸۹ پاریس، طرحی را بشرح ذیل به کنگره ارائه دادند که کنگره روز اول ماه مه هر سال را بخاطر کشتار کارگران شیکاگو بنام «روز جهانی طبقه کارگر» اعلام نماید.

تاکید از ماست؛

هم اکنون ما در آمریکا این «روز را یاد بود شهادت قهرمان طبقه کارگر» نامگذاری کرده ایم و هر سال در مقیاسی وسیع تر از سال پیش این روز را گرامی می داریم. و در این روز کارگران امریکا با هم سوگند میخورند، که در دفاع از حق و حقوق خود سرسخت تر باشند. و در مبارزه با سرمایه داری مصمم تر. بیاتیم این روز را بنام «روز کارگر روز اعتراض به ظلم و بیدادگری روز نشان دادن حقانیت کارگری، روز پیشرفت مبارزه علیه سرمایه داری در سراسر جهان و روز همبستگی و برادری بین المللی زحمتکشان قرار دهیم.»

این پیشنهاد به تصویب انترناسیونال دوم رسید و در پی آن مورد استقبال کارگران اکثر کشورها قرار گرفت. گرچه بورژوازی کوشید تا از تحقق این امر جلوگیری نماید، اما پافشاری، مقاومت و مبارزات طبقه کارگر توانست این حق مسلم را بر بورژوازی تحمیل نماید.

در حقیقت «جنبش اول ماه مه»، یکی از تجارب مهم و تاثیر گذار طبقه کارگر است. که بسیاری از جنبه های مبارزه طبقاتی را به روشنترین شکل، تظاهر و بیان میدارد. به بیانی عالیترین «جنبش اول ماه مه»، تجسمی از عزم و پیگیری و پیکار انقلابی طبقه کارگر بر علیه نظام بردگی و استثمار است. امتیازاتی که امروز کارگران برخی از کشورها در شرایطی مفروض، بدان دست یافته اند، نتیجه ی مبارزات جنبش طبقه کارگر جهانی در سطح عالی تر و هدف مندتر آن است. که در پرتو مبارزات خونبار طبقه کارگر بدست آمده است. گرچه جهان سرمایه داری تلاش کرده چنین وانمود کند که همین امتیازات را خود به طبقه کارگر داده است. در این میان کم نیستند کسانی که از هر فرصت و به هر وسیله کوشش می کنند ماهیت ضد انسانی، ضد اخلاقی و مخرب سرمایه داری را توجیه، کتمان و کارگران را به همکاری و مصالحه با نظام سرمایه تشویق نمایند. و بدینوسیله مسیر اصلی مبارزه کارگران را منحرف و وظیفه خود را در قبال جهان سرمایه ادا کرده باشند. حال می بینیم در بحران عظیم موجود نظام جهانی سرمایه نه تنها تمام دستاوردهای «جنبش اول ماه مه» و امتیازاتی که قرنها برای آن مبارزه شده و با خون کارگر و زحمتکش کسب گردیده است، اینبار یکبار دیگر زیر لوای نئولیبرالیزم (جهانی سازی سرمایه) با برچیدن موانع و محدودیتهای سرمایه و شتاب گسترده ای که بر امر خصوصی سازی سرمایه صورت گرفته است نه تنها دست آوردهای مبارزاتی طبقه کارگر یکی پس از دیگری بوحشیانه ترین شکل توسط سرمایه داران مورد دستبرد و در حال از میان رفتن است، بلکه شرایط غیر انسانی و جهنمی مظاعفی نیز بر طبقه کارگر و توده های فرو دست تحمیل گردیده است. این وضعیت چیزی جز بیان آشکار غیر قابل تغییر بودن "منطق سرمایه" که چیزی جز انباشت سرمایه و سود، منطق دیگری را برنمی تابد، نیست. در حقیقت شرایط فوق تجلی خوی پنهان و آشکار درندگی و پلیدی سرمایه و سرمایه داری است که نیازی به اثبات مجدد ندارد. اما سر انجام این وضعیت با تحقق شعار بزرگ «کارگران جهان متحد شوید» از آموزگاران کبیر پرولتاریای انقلابی و کمونیستهای واقعی، کارل مارکس و فردریش انگلس که زینت بخش آغارین مانیفست حزب کمونیست است، و عزم انقلابی پرولتاریای آگاه، متشکل، پرتوان در اتحاد با طبقات محروم و فرودست جامعه با مبارزه سرسخت، مصمم و سازمان یافته بر علیه نظام سرمایه داری، دستگاه اداری آن (دولت) و ماشین سرکوب آن (ارتش، پلیس و چماق بدستان و غیره)، به شکست و زوال خواهد انجامید. و پیروزی واقعی، عظیم و پرشکوه با نواخته شدن سرود آزادی و رهائی و با آغاز گسسته شدن زنجیرهای بردگی و استثمار بدست خواهد آمد. در پرتو این پیروزی پایه های جامعه سوسیالیستی بدست پرتوان و اراده خلل ناپذیر پرولتاریای جهان بنا خواهد گردید. و سرنوشت محتوم طبقه و فرودستان نه بدست مدعیان فرصت طلب، بلکه با عزم و اراده خود طبقه و رهبران واقعی آن رقم خواهد خورد.

در خاتمه لازم است به نقش بزرگ زنان در تاریخ مبارزات اشاره نمود؛ همانطور که میدانیم در طول تاریخ زنان در تمام عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، شرکت فعال و حضور جدی و مؤثر داشتند. و دوشا دوش مردان، مبارزه و جانفشانی کرده اند. با رجوع به تاریخ انقلابات از کمون پاریس، انقلاب اکتبر، انقلاب مشروطیت، قیام ۵۷ و مبارزات جاری امروز، بروشنی می توان جلوه های این مبارزات و فداکاریها را دریافت. اما با تأسف باید گفت تا به امروز به این امر کمتر توجه شده است. البته ریشه ی این مسئله ضمن اینکه از نظام سرمایه داری نشئت میگیرد، در عین حال عقب ماندگی های تاریخی نیز به تشدید آن کمک کرده است. با این درک که نابودی فرهنگ کهنه و حقیرانه مردسالاری را نمی توان به برقراری سوسیالیزم محول کرد. چرا که بی تفاوتی به این معضل فرهنگی در درون جنبش، در اصل بی تفاوتی به ضرباتی ست که با حذف شدن نصف نیروی اجتماعی بر پیکر جنبش وارد میشود. حال بر کمونیست های واقعی و طبقه کارگر انقلابی ست که در این امر به مثابه امر جدی مبارزه و کار فرهنگی، برخورد مسئولانه نمایند. در یک کلام: زن یعنی مادر، خواهر، دختر، همراه، هم‌رزم، بمعنی عالیتر یعنی عشق. و همینطور است برای مردان شریف. یعنی پدر، برادر، فرزند، همراه و هم‌رزم. این امر تحقق نمی پذیرد مگر انسان از بردگی نوین رهائی یابد.

گرامی باد اول ماه مه، روز اتحاد و همبستگی طبقه کارگر جهانی

روزبه کوراغلی

۲۶ آپریل ۲۰۱۳ برابر با ۰۶ اردیبهشت ۱۳۹۲